

الگوی خانواده و سبک فراغت جنسیتی در تهران

دکتر محبوبه بابائی^۱

چکیده

به موازات رشد جوامع، ضرورت سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی برای زمان آزاد و ایجاد فرصت‌های بهره‌مندی از اوقات فراغت افراد و گروه‌های اجتماعی افزایش یافت. مجموعه‌ای از عوامل خرد و کلان، تعیین‌کننده و مشروط‌کننده کیفیت، انواع و اشکال فعالیت‌های فراغتی هستند. این مقاله از میان عوامل خرد و کلان، نقش نوع خانواده را بر حسب تقسیم جنسی وظایف خانگی بر روی اشکال فعالیت‌های فراغت جنسیتی (زنان و مردان) بررسی می‌کند. زیرا، میزان زمان آزاد در اختیار زنان و مردان و نحوه گذران اوقات فراغت و الگوهای فراغتی هر یک از دو جنس، موجب شکل‌گیری انواع متفاوتی از هویت اجتماعی در میان آنان می‌شود. نتایج تحقیقات نشان می‌دهد که فراغت خانه محور با فراغت بیرون از خانه با یکدیگر تفاوت دارند و احتمال گذراندن اوقات فراغت به صورت فعال و جمعی در فراغت خانه محور به شدت ضعیف است. بنابراین، بین سبک‌های فراغت سنتی و مدرن (که در هر یک از این دو سبک، ویژگی‌های متفاوتی از فراغت‌های فردی، خانه محور، غیر فعال در مقابل جمعی، بیرون از خانه و فعال مورد توجه است) تفاوت وجود دارد. در این مطالعه، تلاش می‌شود الگوهای خانواده بر حسب تقسیم جنسی وظایف خانگی و سبک‌های فراغتی، معرفی و به صورت تطبیقی تأثیر الگوهای خانواده بر سبک فراغتی در بین دو گروه (اقشار مرفه نوظهور و غیر نوظهور) بررسی گردد. نتایج پژوهش، حاکی از وجود سبک فراغت سنتی (فردی - غیرفعال و خانه محور) در میان هر دو قشر مرفه نوظهور و مرفه غیر نوظهور است، با این حال رواج سبک فراغت مدرن (جمعی - فعال و بیرون از خانه) در میان خانواده‌های نوع اول (قشر مرفه نوظهور) بیشتر است. همچنین، رواج سبک فراغت مدرن در میان خانواده‌های با الگوی مشارکتی بر حسب تقسیم جنسی وظایف خانگی به مراتب بیشتر از خانواده‌های با الگوی سنتی - مرد سالار است و روابط معناداری بین این دو متغیر دیده شده است.

واژگان کلیدی: الگوی خانواده، سبک‌های فراغت، اشکال فراغت، هویت اجتماعی.

مقدمه

برنامه‌ریزی برای چگونگی صرف زمان آزاد (که اوقات فراغت^۱ بخشی از آن را تشکیل می‌دهد) در زمره برنامه‌های سیاست زندگی^۲ طبقه بندی می‌شود و این برنامه‌ها با هدف سازماندهی نحوه بهره‌برداری از زمان، پول، سن، جنس و ... به کار گرفته می‌شود.

امروزه برنامه‌های مزبور را به عنوان « شاخص‌های تحرک افقی»^۳ (زمان، پول، سن، جنس و ...) نمی‌دانند و نحوه بهره‌برداری از آنها به دلیل کیفیت بخشی به زندگی فردی، باز تولید امکانات فردی - جمعی و ساخت یابی اجتماعی از طریق کنش‌گران اهمیت می‌یابد. پذیرش ساخت‌یابی اجتماعی^۴ از طریق نحوه عملکرد کنش‌گران در جریان زندگی روزمره،^۵ ما را ناگزیر از تأمل، تفکر و تحقیق درباره رفتارها و عملکردهای کنش‌گران می‌سازد. طی سال‌های اخیر توجه به مسایل زنان به عنوان نیمی از سازندگان جامعه و ایفا کنندگان نقش محوری در تربیت فرزندان مورد توجه قرار گرفته است. به این ترتیب، کیفیت بخشی به زندگی زنان، ایجاد امکانات، فرصت‌ها و توانا سازی آنان در نحوه بهره‌برداری از تسهیلات موجود با گسترش جنبش‌های زنان و اقدامات بین‌المللی، در دستور کار جوامع و ملل مختلف بر حسب میزان علاقه‌مندی و جدیت در دستیابی به توسعه پایدار، قرار گرفت و مطالعات بسیاری به منظور شناسایی وضعیت زنان در عرصه، ابعاد و سطوح مختلف از حیث شاخص‌های تحرک عمودی و افقی به عمل آمد. بررسی روابط بین الگوی خانواده^۶ و سبک فراغتی^۷، بخشی از این مطالعات است که پژوهش‌گر در تعقیب رویکرد بازنمایی نقش منابع انسانی در توسعه بدان پرداخته است.

این بررسی، تأثیر نوع خانواده را (برحسب تقسیم جنسی وظایف خانگی^۸) بر سبک فراغت جنسیتی^۹ در خانواده هسته‌ای مورد توجه قرار می‌دهد. قابل ذکر است که هدف این پژوهش، تأثیر الگوی خانواده از حیث بزرگی (گسترده) و کوچکی

1. Leisure Times
2. Life politic
3. Horizontal Mobility Indicators
4. Social Re-construct
5. Everyday life
6. Family Pattern
7. Leisure Style
8. Gender Division of Domestic Tasks
9. Gender Leisure Style

(هسته‌ای) و یا از حیث چند همسری/ تک همسری بر سبک فراغتی نیست. هدف بررسی حاضر، آن است که روابط میان الگوی خانواده، برحسب تقسیم جنسی وظایف خانگی و سبک فراغت جنسیتی در میان اقشار مرفه نوظهور^۱ و غیر نوظهور^۲ را بیان کند و تأثیر الگوی خانواده بر سبک فراغت جنسیتی را در دو گروه مورد تحلیل قرار دهد و در نتیجه گیری بیان کند که در هر یک از دو گروه مورد بررسی کدام یک از سبک فراغتی (مدرن یا سنتی): فراغت خانه محور یا بیرون از خانه، فراغت فردی یا جمعی، فراغت فعال یا غیرفعال) رایج است.

چارچوب نظری

نحوه ساخت جهان اجتماعی در سطح خرد به نحوه شکل‌گیری و ایجاد هویت‌ها و به نحوه روابط میان هویت فردی^۳ و هویت اجتماعی^۴ حاصل از کنش‌های اجتماعی وابسته است. علت ضعف در ساخت جهان اجتماعی^۵ ابتدا غلتیدن در جهان طبیعی^۶ و گرایش هر چه بیشتر به آن و تقلیل جهان‌های زندگی^۷ به جهان طبیعی به جای رفت و آمد فعال در جهان اجتماعی، جهان علمی^۸، جهان سبک^۹ و جهان معنا^{۱۰} است و علت دیگر، ضعف در ساخت جهان را باید در منابع و مصالح سازنده هویت‌ها و تقلیل جهان معنا به یکی از حوزه‌های شخصی، خصوصی و یا عمومی جستجو کرد که موجب عدم تعادل و ایجاد اخلال در شکل‌گیری بنیاد هویت‌های فردی و جمعی می‌شود. این تقلیل‌گرایی^{۱۱} موجب گسست میان جهان طبیعی و جهان اجتماعی، کنش‌های فردی و جمعی، هویت فردی و جمعی می‌شود و اگر بپذیریم که هر یک از صورت‌های فوق، لازم و ملزوم یکدیگر هستند، ساخت جهان اجتماعی با تقلیل به هر یک از صورت‌های فوق، موجب غیر کارکردی شدن و و یا کژ کارکردی شدن جهان

1. New-Affluent Strata
2. Non-New-Affluent Strata
3. Individual Identity
4. Social Identity
5. Social World
6. Natural World
7. Life Worlds
8. Scientific World
9. Style World
10. Virtually World
11. Reductionism

اجتماعی برای جامعه و اعضای آن خواهد شد.

از آنجایی که رفتارهای فراغتی در خردترین سطح جامعه، نیازمند دخالت عنصر اختیار و آزادی و از طرف دیگر، نیازمند توانایی، دانایی، امکانات و بستر مناسب است، به بهترین نحوی نشان دهنده ماهیت و ویژگی‌های اعمال واقعی افراد و گروه‌های انسانی در جهان زندگی روزمره می‌باشد که بخشی از ساخت جهان اجتماعی، وابسته به همین کیفیت اعمال افراد و گروه‌های انسانی در جهان زندگی روزمره است و به نسبت حضور معیارهایی چون اختیار و آزادی در انتخاب (که «حق انتخاب»^۱ را فراهم می‌سازد) و دانایی، توانایی و امکانات دیگر مانند: پول و زمان در انتخاب رفتارهای فراغتی (که «امکان انتخاب»^۲ را فراهم می‌سازد) است که مجموعه‌ای از کنش‌های فردی و جمعی فعال و پویا، هویت‌های فردی و جمعی قوی و مشارکت فعال در عرصه‌ها و ابعاد مختلف زندگی اجتماعی را پدید می‌آورد. بر این اساس از ضروریات اساسی برای تمرین مشارکت اجتماعی^۳ است که به‌طور مستقیم کنش‌گران را در ساخت جهان اجتماعی، سهیم می‌کند.

فراغت عبارت از: «مجموعه اشتغالاتی است که فرد کاملاً برای رضایت خاطر خود یا برای استراحت، یا برای تفریح، یا به منظور توسعه اطلاعات، یا آموزش غیرانتقاعی و مشارکت اجتماعی داوطلبانه بعد از آزاد شدن از الزامات شغلی، خانوادگی و اجتماعی بدان می‌پردازد» (دومازیه، ۱۳۵۳: ۲۵)، فعالیت‌های فراغتی در ایام فارغ از کار و بی‌کاری انجام می‌شود. «چک و برش» (۱۹۷۶)، رفتار فراغتی^۴ را به‌عنوان رفتاری در خود بودن، دوره‌ای و لذت‌بخش می‌داند (پارکر، ۱۹۸۶: ۱۸۰). در تعریف فراغت به چهار بعد سازنده آن که موجب تمایز فراغت از کار و بی‌کاری می‌شود باید توجه کرد که عبارت اند از: «۱- وقت آزاد^۵ که دلالت بر آزاد بودن برای انجام کاری و یا فرار از فشارها دارد. ۲- فکر آزاد^۶. ۳- فعالیت آزاد^۷. ۴- تجربه آزاد^۸» (پارکر، ۱۹۸۶).

رفتار فراغتی و الگوهای فراغتی با فرهنگ سروکار دارد و از درون آن سر بر

1. Choice Right
2. Choice Possibility
3. Social Participation
4. Leisure Behaviour
5. Free Time
6. Free Thought
7. Free Activity
8. Free Experience

می‌آورد. بنابراین، فعالیت های فراغتی بر حسب ساختارهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی از جامعه‌ای به جامعه دیگر تفاوت می‌یابد (بابائی، ۱۳۸۰: ۲۲). باکاک در کتاب «مصرف» می‌گوید: «رابطه مفهوم وسیع‌تر «شیوه زندگی» با طبقات شغلی، مستلزم رابطه بین کارهای روزمره، وظایف خانه‌داری، فعالیت تفریحی و ارزش‌های اخلاقی، اعتقادات و راه‌های ابراز عواطف اعضای خانواده است» (باکاک، ۱۳۸۱: ۳۶) ناید هارت برای خانواده هسته‌ای دو کارکرد «گذران اوقات فراغت جمعی خانواده با یکدیگر» و «اجتماعی کردن و تربیت کودکان» قایل است (اعزازی، ۱۳۸۲: ۱۷۶). اما برحسب این‌که خانواده هسته‌ای، در تقسیم وظایف خانگی از چه الگویی پیروی می‌کند، الگوهای نقش زن و مرد از یکدیگر تفاوت می‌یابد و تحت تأثیر آموزش و پرورش جنسیتی و خانواده سنتی اقتدارگرا، انتظارات جنسیتی متفاوت به وجود می‌آید و این خود موجب جنسیتی شدن فراغت زنان و مردان می‌شود. «الیزابت بک گرنسهایم»^۱ با «اشاره به نظریه‌های کارکردگرایان که در آن تقسیم نقش میان زن و مرد به صورت مرد شاغل و زن خانه‌دار است؛ می‌گوید در الگوی ایده‌آل خانواده کارکرد گرایان کلیه اعضای خانواده حداقل توقع را از پدر یا شوهر دارند و سعی در فراهم کردن آسایش و رفاه و به نوعی محافظت او در برابر مشکلات جهان خارج دارند ... تمام کوشش زن خانه‌دار، صرف دور نگه‌داشتن شوهر از مشکلات و ناراحتی‌های روزمره خانوادگی است...» (اعزازی، ۱۳۸۲: ۱۵۱). پاملابوت^۲ نیز می‌گوید: «اعتقادات فهم عام درباره ماهیت خانواده، فرصت مشارکت در جامعه گسترده‌تر و کسب برابری با مردان را از زنان دریغ می‌دارد» (پاملابوت، ۱۳۷۶: ۱۵۹).

در خانواده هسته‌ای سنتی - مرد سالار، وجود تقسیم کار برحسب جنسیت مفروض است (استفان گرت، ۱۳۸۰: ۱۵۴) و زنان به یک قلمرو خصوصی محدود می‌شوند که همان محیط خانگی خانواده، کودکان و خانه است و مردان بیشتر در قلمرو عمومی زندگی می‌کنند (پاک‌نهاد جبروتی، ۱۳۸۱). «در این الگو که نقش‌های زن و شوهر مجزا و جداگانه است، بر تسلط شوهر نسبت به زن و تقسیم کاری خشک، بر مبنای جنس در خانواده، استوار است» (استفان گرت، ۱۳۸۰: ۵۲). بنابراین، در نتیجه تسلط مرد بر زن و فرزندان و «در موقعیت بالاتر بودن مرد در خانه که خود

1. Elisabeth Beck-Gernsheim

2. Abbott, P.

به تضاد میان مرد مقتدر و اعضای بدون اقتدار خانواده می‌انجامد، موجب می‌شود که در اغلب تصمیم‌گیری‌ها، زن و فرزندان، وابسته و مطیع مرد باشند» (اعزازی، ۱۳۸۲: ۱۷۸). براساس دیدگاه «نقش بیولوژیک» پارسونز^۱ و دیدگاه «ژنتیکی» مرداک^۲، زنان متعلق به جهان طبیعی و مردان متعلق به جهان اجتماعی هستند. بنابراین، ویژگی‌های متفاوت فضای اجتماعی زنان و مردان، برخورداری‌ها و فضای فراغتی متفاوتی را برای آنان فراهم می‌سازد. همان‌گونه که در خانواده سنتی اقتدارگرا، وظایف خانگی بدون دستمزد زنان به کمک اقتصاد خانواده می‌آید و مردان را از بخش بزرگی از هزینه‌های حتمی خانه می‌رهاند، فراغت خانه محور^۳ زنان نیز موجب در دسترس بودن دائمی آنان در خانه، جهت ارائه خدمات به شوهر و فرزندان در وقت نیاز می‌شود. گرین^۴ و همکاران در تحقیق‌شان در این مورد عقیده دارند: «کارخانگی زنان و مسئولیت‌های بچه‌داری را نمی‌توان به دقت در یک روز کاری معمولی جا داد و بسیاری از زنان تقریباً همیشه «آماده به خدمت» هستند که پیشبرد برنامه فراغت را با درجه‌ای از اطمینان، مشکل می‌سازد (وین، ۱۹۹۸: ۲۵). آن‌گری^۵ (۱۹۹۲) نیز در مطالعه‌اش پیرامون «جنسی شدن تکنولوژی فراغت» (مورد: نمایش ویدئویی) تبیین می‌کند که: «به‌منظور کشف استفاده زنان از نمایش برنامه ویدئویی (VCR)،^۶ که بایستی درک‌مان را در متن کارشان تدوین کنیم. هم کارهای درون خانه و هم کارهای بیرون از خانه؛ مسئولیت‌های‌شان و وظایف‌شان در قبال دیگران؛ میزانی از زمان آزاد که زن را قادر به سازمان‌دهی برای خودش می‌سازد». همچنین گری مشاهده می‌کند که: «برای اکثریتی از زنان، خانه اولین و مهمترین مکان کار است و بنابراین، اغلب برای آنها یافتن زمان و مکان در محیط خانگی‌شان برای تعقیب فراغت یا فعالیت‌های غیر کاری سخت است. پس، محیط خانه به عنوان امور روزمره مستقیم‌تر برای فراغت و استراحت بررسی می‌شوند». به عقیده گری خیلی از زنان با چنین جایگاهی نه از مشاهده برنامه‌های تلویزیون و سینما لذت می‌برند و نه انتخاب برنامه‌ها برای مشاهده، با خودشان است». گری از مطالعه‌اش نتیجه می‌گیرد که: «مفهوم ضمنی این مطالعه آن است که تکنولوژی با سرگرمی جدید، ساختار خانگی

1. Parsons, T
2. Murdock
3. Home-oriented Leisure
4. Green, E
5. Gray. A
6. Video Cassette Recorder

موجود و ایدئولوژی خانوادگی را سرگرم می‌کند و این ساختارها و سنت‌ها، به ویژه در ارتباط با جنسیت است که در تکنولوژی جدید هم در اصطلاحات که کاربرد فیزیکی آن است و هم در انتخاب نرم‌افزار، به صورت رمزگونه پدید می‌آید» (جان استوری، ۱۹۹۹: ۱۱۶).

ویژگی‌های فعالیت‌های فراغتی در خانواده سنتی - اقتدار گرا (مردسالار) که گرین و همکارانش بیان کردند، نشان می‌دهد که این فعالیت‌ها خانه محور تجزیه شده (بدون تداوم)، غیر فعال و تا حدی غیر قابل کنترل (به دلیل فقدان آزادی عمل) توسط خود زنان است و بدیهی است که چنین فراغت‌هایی، اهداف فراغتی مدرن و انسانی را به‌عنوان کارکردهای فراغت محقق نمی‌سازد و باز دیم در این باره می‌گویید: «تفریح و فراغت خانه محور زنان که اغلب براساس خانه و یا ناشی از آن است، فعالیت‌ها و وظایف همانندی هستند که قسمتی از کار آنان را در خانه شکل می‌دهد... تعجبی ندارد که فراغت خانگی بسیاری از زنان از خیاطی، بافندگی، آشپزی، خواندن و تماشای تلویزیون تشکیل می‌شود... همه این فعالیت‌ها می‌تواند در یک برنامه زمانی تجزیه شده مناسب باشد، قسمت‌های بزرگی از زمان دست‌آوردی ندارد... و آنان می‌توانند به سرعت به یک فعالیت فراغتی علاقه‌مند شوند و یا وقتی که وظایف کاری تداخل می‌کنند آن فعالیت فراغتی می‌تواند به سرعت قطع شود (وین، ۱۹۹۸: ۹۷).

در فراغت جنسیتی شده، بین الگوهای فراغت زنان و مردان، دختران و پسران از حیث عرصه‌های فعالیت فراغتی (فراغت درون خانه یا بیرون از خانه، از حیث وجود مشارکت: فراغت غیر فعال یا فعال، و از حیث کمی: فراغت فردی یا جمعی) تفاوت وجود دارد. زیرا، از یک طرف، وقت آزاد، فکر آزاد، فعالیت آزاد و تجربه آزاد فراغتی زنان و مردان با یکدیگر متفاوت است و از طرف دیگر، امکانات در اختیار این دو جنس با یکدیگر متفاوت است. فمینیست‌ها معتقدند توزیع ناعادلانه منابع مالی در خانواده، موجب ناعادلانه بودن در فراغت بین دو جنس می‌شود.

درک وین^۱ (۱۹۹۸) در نتایج آماری تحقیق خود «فراغت، سبک زندگی و طبقه متوسط جدید» در تفاوت‌های فضای اجتماعی زنان و مردان از حیث امکان‌ها و موقعیت‌ها، می‌گوید: «۴۵ درصد زنان، خودشان را به عنوان زن خانه‌دار توصیف کردند، در حالی که، ۴۰ درصد مردان شاغل، دارای مشاغل مدیریتی و ۳۰ درصد دارای مشاغل تخصصی هستند، فقط ۵ درصد زنان شاغل دارای مشاغل مدیریتی و

۲۲ درصد دارای مشاغل تخصصی هستند. چنین نتایجی، تفاوت‌های درآمدی بین زنان و مردان را منعکس می‌کند. در حالی که ۷۰ درصد مردان در سال گذشته (۱۹۹۷) بیش از ۱۵ هزار دلار درآمد داشتند، فقط ۵ درصد زنان در سال گذشته درآمدشان بالاتر از ۱۵ هزار دلار بود. حال آنکه، در همان سال ۷۷ درصد زنان درآمدی کمتر از ۱۰ هزار دلار داشتند، تنها ۱۱ درصد مردان در همان سال درآمدشان کمتر از ۱۰ هزار دلار بود (وین: ۹۸). باکاک^۱ نیز در کتاب «مصرف» تأکید می‌کند که: «در بیشتر سال‌های بین ۱۹۵۴ تا ۱۹۹۰، مردان جوان غالباً مازاد درآمد بیشتری نسبت به زنان جوان در اختیار داشتند، زیرا زنان نوعاً در شغل‌هایی با دستمزد کمتر از مردان هم رده خود مشغول به کار بودند ... با این حال آنها به طور فعالی مشتاق بیان حس هویت خود و بیان این حس بودند که چه کسی هستند. چنین بیان هویتی از طریق پوشاک، آرایش بدن، سر، از عطر تا گوشواره و نیز اتومبیل، موتور سیکلت، موسیقی و ورزش به دست می‌آمد (باکاک، ۱۳۸۱: ۱۵۱). اما از آنجایی که گذران فراغت‌های فعال به مراتب بیشتر از فراغت‌های غیرفعال هزینه‌دار است، زنان به ویژه زنان لایه‌های پائین‌تر اقتصادی - اجتماعی به دلیل در اختیار داشتن منابع مالی کمتر از فراغت‌های غیرفعال، بیشتر استقبال می‌کنند. همچنین، محدود بودن امکانات اجتماعی در اختیار زنان، موجب «در خانه سپری کردن اوقات و آشنایی با هنجارهای گروه اولیه و عدم آشنایی لازم با گروه ثانویه» می‌شود (اعزازی، ۱۳۷۶: ۱۹۶). محدود بودن عرصه فعالیت زنان به عرصه خصوصی موجب می‌شود که آنها در زندگی خانوادگی معمولاً نقشی انفعالی بر عهده داشته باشند و تصمیم‌گیری‌های مهم زندگی به وسیله مردان انجام شود و «دورنمای آینده، شغل، فعالیت‌های اجتماعی، هنری و هر نوع پیشرفتی در زندگی به روی زنان بسته شود. زیرا، همچنان در مدارس و رسانه‌ها، الگوهای سنتی زنانه - مردانه ارائه می‌شود و در حالی که زنان برای فعالیت‌های خانگی که به میزان زیاد در «انزوای اجتماعی»^۲ هستند، تربیت می‌شوند مردان از دوران کودکی برای مشاغل بیرونی با دید عینیت‌گرا، واقع‌بینانه تربیت می‌شوند و بنابراین، به طور فعال در خارج از خانه مشغول به کار، فعالیت و ورزش هستند (اعزازی، ۱۳۷۶). این محدودیت‌ها موجب می‌شود تا زنان که بخش اعظم آنان، دارای نقش سنتی زن خانه‌دار هستند نه تنها نسبت به مردان، ساعات فراغتی به مراتب

1. Bocock, R.

2. Social Seclusion

کمتری داشته باشند بلکه فراغت‌های فعال آنان نیز به مراتب کمتر از مردان باشد. «فراغت فعال»^۱، فراغتی است که با حرکت صورت می‌گیرد و «فراغت غیر فعال»^۲، فراغتی است که فرد در چنین زمانی، چهره‌ای پذیرا می‌یابد. مثل: تماشای تلویزیون (ساروخانی، ۱۳۸۴: ۷۶۲). بین «فراغت فعال که شکل انسانی‌تر فراغت» (اریک فروم، ۱۹۵۶) است و فراغت غیر فعال و بیگانه کننده که در جامعه سرمایه‌داری از یک تجزیه و تحلیل فرهنگی فراغت مصرف‌گرایی و کالایی ناشی می‌شود و هر یک کارکردهای متفاوتی را به همراه دارند؛ باید تمایز قایل شد، مانند: «ورزش مشارکتی در مقابل ورزش تماشاگری» (سایمن دورینگ، ۱۳۷۸: ۳۶۸).

در خانواده متقارن - مشارکتی، که نقش‌های زنان و شوهران رو به تشابه است و سرانجام یکسان خواهد شد (پاملا ابوت و کلروالاس، ۱۳۷۶: ۱۵۶ و ۱۵۷)، تأکید بر انجام دادن مشترک کارها، با هم بیرون رفتن، کمک به یکدیگر و مهمتر از همه، گفتگو با یکدیگر است (استفانی‌گرت، ۱۳۸۰: ۵۴). تغییر الگوی تقسیم جنسی وظایف خانگی از سنتی - مرد سالاری به متقارن - مشارکتی پی آمد ایجاد و گسترش جامعه مدرن صنعتی، افزایش امکانات رفاهی، ضرورت حضور فعال زنان در حوزه عمومی، بنا به خواست خود زنان و نیاز جامعه و بانگری و بازسازی در سازمان خانواده است (بابائی، ۱۳۸۵: ۱۰۹). شبیه‌تر شدن نقش زنان و مردان، موجب شد که الگوهای اقتدار پدر سالارانه در خانواده از بین برود و تمایلات مشارکتی در میان اعضای خانواده به وجود آید (اعزازی، ۱۳۷۶: ۱۷۱). ویلموت و یونگ^۳ معتقد بودند در الگوی خانواده متقارن - مشارکتی، «شوهران و زنان به طور روز افزونی اوقات فراغت شان را با هم می‌گذرانند و دارای دوستان مشترکی می‌شوند (پاملا ابوت و کلروالاس، ۱۳۷۶: ۱۵۶). هایدی هارتمن^۴ (۱۹۸۱) مشخص کرد که با افزایش ساعات کار خارج از خانه زنان، مردان در کارهای خانه، بیشتر مشارکت نمی‌کنند. آیتک^۵ (۱۹۸۹) در بررسی‌های خود مشخص کرد؛ مردانی که همسران آنها در پست‌های بالا قرار دارند، بیشتر از سایر شوهران، در انجام فعالیت‌های خانگی شرکت دارند. دیم (۱۹۸۶) در بررسی خود درباره اعمال فراغتی زنان و روابط بین فراغت و اشتغال نوشت: «آنچه

1. Active Leisure
2. Non-Active Leisure
3. Willmott & Young
4. Hartman, H
5. Aytac. J

که به نظر می‌رسد ظهور کرده است، ممکن است اشتغال زنان به عنوان عامل مهم در ساخت تجربه زنان از فراغت باشد. همچنان‌که اشتغال مردان در سازمان‌دهی و تعیین‌کنندگی فراغت آنان مهم است. زنان از طریق اشتغال اغلب، اگرچه نه همیشه، کنترل و قدرت وسیع‌تری بر روی زندگی‌های خودشان اعمال می‌کنند و بنابراین کنترل بیشتری بر روی فراغت‌شان، نسبت به زنانی که شاغل نیستند، دارند (دیم، ۱۹۸۶: ۱۱۶). با افزایش قدرت زنان در کنترل فراغت خود، شکل و ساختار اعمال فراغتی زنان، بازتابی از علایق آنان خواهد بود و چنین اعمال فراغتی، توانایی هویت بخشی اعم از فردی و جمعی را خواهد داشت. اما «اگر فعالیت‌های فراغتی تحت سلطه مردان باشد، شکل و ساختار این اعمال نیز، بازتابی از علایق مردان خواهد بود» (وین، ۱۹۹۸: ۱۱۴) و چنین رفتارهای فراغتی بیگانه‌کننده است. همان‌طور که گرین و همکارانش نقطه نظرات خود را در بررسی تحقیقی شان ارائه می‌دهند: «نکته کلیدی که از نظریه‌های کنترل اجتماعی و داده‌های تجربی قابل دسترس فمینیستی به دست آمد، گستره غیرقابل تصویری بود که موجب کنترل اجتماعی زنان توسط مردان گردید و این صراحت‌ها آشکار می‌کند که زنان اوقات فراغت‌شان را چگونه، چه وقت و کجا صرف می‌کنند و این عامل عمده‌ای در تشویق و در اظهار نابرابری جنسیتی در فراغت توسط زنان است» (وین: ۱۱۴). اما هم باکاک و هم «وین» معتقدند که علاوه بر شغل، سطوح تحصیلی نیز به علت اینکه بر الگوی مصرف تأثیر می‌گذارد، مهم است. دیدگاه‌های مختلف مورد بحث در چارچوب نظری، پیرامون روابط بین الگوی خانواده و سبک‌های فراغت جنسیتی را می‌توان به چند دسته تقسیم کرد:

۱- تقسیم جنسی وظایف خانگی براساس الگوی خانواده سنتی اقتدارگرا - مردسالار موجب جنسیتی شدن فراغت و خانه محور شدن فراغت زنان می‌شود براساس این دیدگاه فراغت تجزیه شده، پراکنده و بدون استمرار زنان خانه‌دار مانع از کسب تجربه ذهنی و عینی فراغت و بهره‌مندی از آن می‌شود. براساس این دیدگاه اکثریت قریب به اتفاق زنان اعم از شاغل یا غیر شاغل، خانه‌دار محسوب می‌شوند و از آنجایی که در فراغت خانه محور، کار خانگی زنان با فراغت آنان آمیخته است این فراغت از نوع فراغت سنتی است.

۲- در خانواده متقارن - مشارکتی از طریق شبیه‌تر شدن نقش زن و شوهر و مشارکت مردان در انجام وظایف خانگی، زمینه و امکان خروج زنان را از فراغت‌های خانه محور و تمایل به فراغت‌های مورد علاقه و همچنین فراغت‌های بیرون از خانه را

فراهم می‌آورد.

۳- دیدگاه دیگر معتقد است که اشتغال زنان، عامل مهمی در شناخت تجربه فراغتی زنان به شمار می‌رود. با اشتغال زنان در بیرون از خانه و افزایش قدرت زنان در خانه، قدرت آنان در کنترل فراغتشان افزایش می‌یابد به گونه‌ای که اعمال فراغتی زنان بازتابی از علایق خودشان می‌شود.

۴- اشتغال تخصصی و حرفه‌ای زنان در کنار افزایش سطوح تحصیلی و دانشگاهی آنان، سبک فراغت زنان (نحوه گذران اوقات فراغت و نحوه انجام فعالیت‌های فراغتی) را شکل می‌دهد.

۵- تعداد و سن بچه‌ها، نحوه صرف زمان آزاد به وسیله مادر و نحوه صرف منابع مالی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به گونه‌ای که مادر ترجیح می‌دهد از منابع قابل دسترس خود، برای برنامه‌ریزی و ساماندهی نیازهای مختلف فرزندان از جمله فعالیت‌های فراغتی آنان استفاده نماید و از فراغت ناچیز خود به نفع رسیدگی به فرزندان و شوهر چشم‌پوشی کند (اعزازی، ۱۳۷۶: ۲۸۴).

۶- پایگاه اقتصادی - اجتماعی خانواده، نحوه گذران فراغت و سبک فراغت جنسیتی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. روجک^۱ (۱۹۹۵) استدلال کرد که «تفاوت‌ها در پایگاه‌ها، طبقه و انواع کارخانگی، تجربه ذهنی زنان از فراغت را تحت تأثیر قرار می‌دهد (وین، ۱۹۹۸: ۱۲۰).

روش تحقیق

دو متغیر اصلی مورد مطالعه در این بررسی، الگوی خانواده و سبک فراغت جنسیتی است. الگوی خانواده همان اشکال خانواده بر حسب نحوه تقسیم جنسی وظایف هشت گانه خانگی بین زن و شوهر است که عبارت اند از: ۱- خانواده سنتی اقتدارگرا - مردسالار ۲- خانواده متقارن - مشارکتی. سبک فراغت جنسیتی، نحوه گذران فراغت زن و شوهر است که از طریق سلیقه افراد در نحوه گذران فراغت یعنی اشکال فعالیت‌های فراغتی سنجیده می‌شود. شاخص‌های اشکال فعالیت‌های فراغتی در این تحقیق عبارتند از: فراغت خانه محور یا بیرون خانه، فراغت فردی یا جمعی، فراغت فعال یا غیرفعال است و از طریق آن، سبک‌های فراغت جنسیتی به مدرن، نیمه مدرن و سنتی تقسیم می‌شوند. فرض این تحقیق آن است که سبک فعالیت‌های

فراغتی زنان و شوهران شان متأثر از الگوی خانواده می باشد، هرچند عوامل بسیار دیگری نیز بر سبک فراغت جنسیتی مؤثر است.
انواع روابط احتمالی بین الگوی خانواده و سبک فراغت جنسیتی در ایران عبارت‌اند از:

۱- الگوی خانواده با سبک فراغتی جنسیتی رابطه ندارد. زیرا، نحوه گذران اوقات فراغت در بین دو جنس بیش از همه عوامل متأثر از نحوه توزیع فرصت‌های فراغتی^۱ توسط ساختار اجتماعی است و در ساختار اجتماعی ایران هنوز ضرورت ساماندهی اوقات بیکاری در راستای انجام فعالیت‌های فراغتی به منظور توانمندسازی ذهنی و عینی (هویت‌بخشی، مشارکت جویی) پدید نیامده است و نتایج برخی از تحقیقات در حوزه فراغت، نشان می‌دهد که در سطح خرد، بسیاری از افراد در اوقات غیر از فعالیت شغلی خود به فعالیت‌های ایام بیکاری مانند انجام امور تعمیراتی داخل خانه (در ارتباط با مردان)، خیاطی، بافندگی، تهیه مرباجات، ترشی‌جات برای طول سال (در ارتباط با زنان) در راستای کاهش هزینه‌های ضروری زندگی - آن هم از سر علاقه - می‌پردازند.

۲- به دلیل در دسترس قرار دادن زمان‌های آزاد متفاوت، الگوی خانواده با سبک‌های فراغتی - جنسیتی در ایران رابطه دارد. هر چند سبک‌های فراغتی در ایران همچنان متأثر از ساختار اجتماعی و نحوه اتخاذ سیاست‌های رفاهی - تأمینی است، اما در زندگی روزمره تفاوت میان دو الگوی خانواده سنتی - اقتدارگرا و مشارکتی در آزاد سازی قسمتی از اوقات زنان برای انجام فعالیت‌های مورد علاقه خود مشهود است. زیرا، در تفکر مرد سنتی ایرانی، که «زن پس از ازدواج تابع مرد است»، نافی آزادی زنان برای صرف قسمتی از اوقات خود به فعالیت‌های مورد علاقه خود است، طبق تفکر سنتی ایرانی «زن باید فعالیت‌هایی را انجام دهد که همسرش دوست دارد». بنابراین، بدیهی است در خانواده‌هایی که بیشتر از الگوی مشارکتی در تقسیم وظایف خانگی تبعیت می‌کنند، فرصت‌های بیشتری از حیث امکان پرداختن به فعالیت‌های فراغتی، برای زنان وجود دارد.

برای آزمون رابطه بین الگوی خانواده و سبک‌های فراغتی خانگی، در دو گروه مورد مطالعه از روش پیمایش با ابزار پرسش‌نامه استفاده شد. جامعه آماری تحقیق، شهر تهران می باشد که در سال ۱۳۸۴ به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای، جامعه نمونه

تعیین و اطلاعات مورد نیاز جمع آوری شده است. ابتدا بر اساس شاخص‌های «تراکم نفر در اتاق» و «قیمت یک متر مربع زیربنای مسکونی»، مناطق مرفه نشین و غیر مرفه نشین تفکیک شدند سپس با استفاده از روش تصادفی ساده، مناطق یک و یازده انتخاب شدند. برای تعیین حجم نمونه از روش نمونه‌گیری کوکران استفاده شد و حجم نمونه ۷۰۰ نفر تعیین گردید. تفکیک گروه‌های مرفه نوظهور از غیر نوظهور پس از تکمیل پرسش‌نامه نهایی، با استفاده از شاخص تحرک درون نسلی - برای پاسخ‌گویانی که قبل از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ شاغل بودند - و شاخص تحرک میان نسلی - برای پاسخ‌گویانی که قبل از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ شاغل نبودند - انجام گرفت. برای تعیین روایی پرسش‌نامه از آلفای کرونباخ و برای تعیین اعتبار، از اعتبار صوری استفاده شد. بررسی روابط همبستگی بین متغیرها از طریق آزمون‌های آماری کای اسکوئر، کندال تاو-بی، کرامرز وی انجام شد.

یافته‌های تحقیق

خانواده‌های مورد مطالعه براساس نحوه تقسیم جنسیتی هشت نوع وظیفه خانگی زنان و شوهران در خانه به دو الگوی: خانواده سنتی اقتدارگرا و خانواده متقارن - مشارکتی دسته‌بندی شدند. وظایف خانگی مذکور عبارت‌اند از: آشپزی و مراقبت از فرزندان، تربیت فرزندان و رسیدگی به امور آموزشی آنان، و تصمیم‌گیری درباره امور داخلی خانه است. اینکه چه مقدار از وظایف خانگی با زنان و یا با همسران‌شان و یا با همکاری و مشارکت یکدیگر انجام می‌شود؟ مبنای الگوی خانواده بوده است. جدول شماره ۱ اطلاعات مربوط به الگوی خانواده در گروه‌های مرفه نوظهور و غیرنوظهور را نشان می‌دهد.

جدول ۱: توزیع الگوی خانواده برحسب گروه‌های مرفه غیرنوظهور و نوظهور

کل		مرفه نوظهور		مرفه غیرنوظهور		گروه‌ها
						الگوی خانواده
۶۲/۱	۲۳۴	۵۷/۶	۱۰۶	۶۶/۳	۱۲۸	سنتی اقتدارگرا
۳۷/۹	۱۴۳	۴۲/۴	۷۸	۳۳/۷	۶۵	مشارکتی
۱۰۰	۳۷۷	۱۰۰/۰	۱۸۴	۱۰۰/۰	۱۹۳	جمع

هرچند براساس نحوه تقسیم جنسی وظایف خانگی در هر دو گروه مرفه غیرنوظهور و نوظهور، بیش از نیمی از خانواده‌ها، دارای الگوی سنتی اقتدارگرا

هستند، اما در گروه مرفه غیر نوظهور، نسبت خانواده‌های دارای الگوی سنتی اقتدارگرا بیشتر از گروه مرفه نوظهور است و برعکس، در گروه مرفه نوظهور، نسبت خانواده‌های دارای الگوی متقارن - مشارکتی بیشتر از گروه مرفه غیر نوظهور است. داده‌های جدول شماره ۲، نحوه انجام فعالیت‌های فراغتی را در بین زنان و مردان در گروه‌های مرفه غیر نوظهور و نوظهور نشان می‌دهد. از آنجایی که هدف در این تحقیق، شناسایی و تحلیل سبک‌های گذران فراغت جنسیتی بر اساس الگوی خانواده (نحوه تقسیم جنسیتی وظایف خانگی) است، به جای پرسش درباره انواع فعالیت‌های فراغتی، از پاسخ‌گویان مورد مطالعه درباره نحوه (اشکال مختلف) انجام فعالیت‌های فراغتی پرسش به عمل آمد.

جدول ۲: نحوه انجام فعالیت‌های فراغتی (سبک‌های فراغتی) در گروه‌های مختلف

کل	مرفه نوظهور		مرفه غیر نوظهور		گروه‌های خانوادگی سبک‌های فراغتی	
	مرد	زن	مرد	زن		
۱۱/۲۹	۷۰	۵/۸۳	۱۷/۶۹	۱۱/۶۱	۱۲/۵	درون خانه
۶/۷۷	۴۲	۵/۸۳	۳/۸۴	۹/۵۴	۵/۲۵	بیرون از خانه
۱۰/۳۲	۶۴	۵/۱۰	۱۳/۰۷	۱۰/۳۷	۱۳/۳۹	غیر فعال
۸/۷۰	۵۴	۸/۰۲	۱۰/۷۶	۷/۰۵	۱۰/۷۱	فعال
۱۰/۸۰	۶۷	۱۳/۴۰	۱۳/۸۴	۱/۸۸	۱۱/۶۰	فردی
۳۱/۱۲	۱۹۳	۳۲/۱۱	۲۸/۲۶	۳۰/۳۹	۳۴/۸۲	گروهی (با خانواده و خویشان)
۱۴/۶۷	۹۱	۲۱/۸۹	۱۰/۷۶	۱۸/۶۷	۱۰/۷۱	گروهی (با دوستان)
۴/۰۳	۲۵	۸/۷۵	۰/۷۶	۴/۵۶	۰/۸۹	گروهی (با همکاران)
۱۰۰/۰	-	۳۲/۰۹	۲۰/۹۶	۳۸/۸۷	۱۸/۰۶	جمع
-	۶۲۰	۱۳۷	۱۳۰	۳۴۱	۱۱۲	

داده‌ها نشان می‌دهد که:

الف - در گروه مرفه غیر نوظهور، مردان به نسبت بیش از دو برابر زنان درباره نحوه انجام فعالیت‌های فراغتی خود اظهار نظر کردند و در گروه مرفه نوظهور درصد مردانی را که درباره نحوه انجام فعالیت‌های فراغتی خود اظهار نظر کردند کمی بیش از زنان است. این نتیجه به طور ضمنی بیانگر آن است که مردان به مراتب بیش از زنان دارای فعالیت‌های فراغتی هستند.

ب - در هر دو گروه مرفه غیر نوظهور و نوظهور، نسبت زنانی را که فعالیت‌های فراغتی خود را در خانه می‌گذرانند در مقایسه با زنانی که فعالیت‌های فراغتی خود را در بیرون از خانه می‌گذرانند به مراتب بیشتر است. در حالی که، در هر دو گروه،

نسبت مردانی که فعالیت‌های فراغتی خود را در خانه می‌گذرانند در مقایسه با مردانی که این فعالیت‌ها را در بیرون از خانه می‌گذرانند یا برابر است و یا تفاوت بسیار ناچیزی دارد.

ج - فعالیت‌های فراغتی درون گروهی (خانواده و خویشان)، هم در مردان و هم در زنان هر دو گروه در اولویت اول اشکال فعالیت‌های فراغتی قرار دارد. به ویژه در زنان گروه مرفه غیرنوظهور، این درصد بیشتر است.

د - در هر دو گروه مورد مطالعه فعالیت‌های فراغتی بیرون گروهی زنان، در مقایسه با مردان خیلی کمتر است (۱۱/۶۰ درصد در مقابل ۲۲/۲۳ درصد در گروه مرفه غیر نوظهور و ۱۱/۵۲ درصد در مقابل ۳۰/۶۴ درصد در گروه مرفه نوظهور). به ویژه آنکه، فعالیت‌های فراغتی بیرون گروهی مردان در گروه مرفه نوظهور نه تنها نسبت به مردان گروه مرفه غیر نوظهور به مراتب بیشتر است بلکه نسبت به زنان گروه خودشان به طور چشم گیری بیشتر است.

ه - فعالیت‌های فراغتی غیر فعال نسبت به فعال، در هر دو گروه مورد بررسی به جز مردان گروه مرفه نوظهور بیشتر است.

مطالعه تأثیر الگوی خانواده بر عرصه های فعالیت فراغتی، از محورهای دیگر پژوهش است. جدول شماره ۲، دربارهٔ رابطه بین الگوی خانواده و عرصه‌های فعالیت فراغتی (درون خانه / بیرون از خانه) مردان است.

جدول ۲: رابطه عرصه فعالیت‌های فراغت (درون خانه/ بیرون از خانه) با الگوی خانواده

سطح معناداری	بیرون از خانه	درون خانه	عرصه فعالیت‌های فراغتی الگوی خانواده		گروه مرفه
			زن	مرد	
۰/۲۶	۳۳/۳	۷۱/۴	زن	سنّتی	مرفه غیر نوظهور
	۵۲/۲	۶۳/۳	مرد		
۰/۴۶	۶۶/۷	۲۸/۶	زن	مشارکتی	
	۴۷/۸	۳۵/۷	مرد		
۰/۱۶۵	۱۰۰/۰	۵۲/۲	زن	سنّتی	مرفه نوظهور
	۵۰/۰	۶۲/۵	مرد		
۰/۰۴	۰	۴۷/۸	زن	مشارکتی	
	۵۰/۰	۳۷/۵	مرد		

داده‌های جدول نشان می‌دهد که از دو الگوی خانواده مربوط به گروه مرفه غیرنوظهور، حدود سه چهارم زنان (۷۱/۴) خانواده‌های سنّتی اقتدارگرا دارای

فعالیت‌های فراغتی خانه محور هستند، در حالی که در همین گروه، بیش از نیمی از زنان (۶۶/۷) خانواده‌های مشارکتی، دارای فعالیت‌های فراغتی بیرون از خانه هستند. با تغییر شکل خانواده از سنتی به مشارکتی، فعالیت‌های فراغتی خانه محور زنان، کاهش می‌یابد و فعالیت‌های فراغتی بیرون محور آنان افزایش می‌یابد. اما همچنان تحلیل‌های آماری نشان می‌دهد که در گروه مرفه غیر نوظهور، رابطه معناداری بین هیچ کدام از خانواده‌های سنتی و مشارکتی با فعالیت‌های فراغتی خانه محور / بیرون محور دو جنس وجود ندارد. در حالی که در گروه مرفه نوظهور، رابطه بین خانواده مشارکتی با فعالیت‌های فراغتی خانه محور / بیرون محور، دو جنس معنادار است.

فعالیت‌های فراغتی غیر فعال، فعالیت‌هایی هستند که در ایام فراغت از کار روزمره اجباری، فرد در انجام آن مشارکت ندارد و به صورت منفعل پذیرنده است، مانند: تماشای برنامه‌های تلویزیونی، مسابقات ورزشی، گوش دادن به موسیقی، سخنرانی‌ها، برنامه‌های رادیویی و خواندن کتاب و روزنامه. فعالیت‌های فراغتی فعال، مجموعه فعالیت‌هایی هستند که در ایام فراغت از کار روزمره اجباری، فرد در انجام آنها مشارکت دارد، مانند: انجام فعالیت‌های ورزشی، نواختن ساز (موسیقی)، کشیدن نقاشی، انجام هر فعالیت هنری دیگر، عضویت فعال در انجمن‌های داوطلبانه غیر رسمی، خیاطی، گل‌دوزی و ...

جدول ۴: رابطه نحوه انجام فعالیت‌های فراغتی با الگوی خانواده

سطح معناداری	از حیث مشارکت یا عدم مشارکت		نحوه انجام فعالیت‌های فراغتی		گروه
	فعال	غیر فعال	الگوی خانواده		
۰/۸۰	۵۸/۳	۷۳/۳	زن	سنتی	غیر نوظهور
	۷۶/۵	۶۰/۰	مرد		
۰/۲۶	۴۱/۷	۲۶/۷	زن	مشارکتی	
	۲۳/۵	۴۰/۰	مرد		
۰/۰۳	۳۵/۷	۸۲/۴	زن	سنتی	نوظهور
	۵۴/۵	۲۸/۶	مرد		
۰/۰۳	۶۴/۳	۱۷/۶	زن	مشارکتی	
	۴۵/۵	۷۱/۴	مرد		

در جدول شماره ۴، رابطه الگوی خانوادگی با نوع فعالیت فراغتی بررسی می‌شود. داده‌ها بیانگر آن است که در گروه مرفه غیر نوظهور، فعالیت‌های فراغتی غیر فعال زنان در خانواده سنتی تقریباً سه چهارم (۷۳/۳٪) بیشتر از فعالیت‌های فراغتی غیر

فعال زنان در خانواده مشارکتی است. با کم شدن فعالیت‌های فراغتی غیر فعال زنان در خانواده های مشارکتی بر فعالیت‌های فراغتی فعال آنان در این نوع خانواده افزوده می‌شود. در حالی که، فعالیت‌های فراغتی فعال مردان خانواده‌های سنتی اقتدارگرا خیلی زیاد است (۷۶/۵٪) در خانواده‌های مشارکتی این گروه فعالیت‌های فراغتی فعال مردان به شدت کاهش می‌یابد (۲۳/۵٪). زیرا در خانواده مشارکتی، همکاری مردان با همسران‌شان برای انجام وظایف خانگی موجب کاهش زمان آزاد آنان می‌شود. اما همچنان تحلیل‌های آماری نشان می‌دهد که در گروه مرفه غیرنوظهور، بین خانواده سنتی - اقتدارگرا و مشارکتی با الگوی فعالیت‌های فراغتی غیر فعال/ فعال رابطه معناداری وجود ندارد.

در گروه مرفه نوظهور، فعالیت‌های فراغتی غیر فعال زنان در خانواده سنتی نسبت به خانواده مشارکتی ۸۲/۶ درصد درمقابل ۱۷/۶ درصد است که نشان می‌دهد با تغییر الگوی خانواده از سنتی به مشارکتی میزان فعالیت‌های فراغتی غیر فعال زنان به شدت کاهش می‌یابد. حال آنکه، در همین گروه، مردان که در خانواده سنتی دارای فعالیت‌های فراغتی غیر فعال کمی (۲۸/۶٪) هستند با تغییر الگوی خانواده، میزان فعالیت‌های فراغتی غیر فعال مردان به طور چشم‌گیری افزایش می‌یابد. همچنین در همین گروه، با تغییر الگوی خانواده از سنتی اقتدارگرا به مشارکتی، میزان فعالیت‌های فراغتی فعال زنان، تقریباً دو برابر می‌شود و از ۳۵/۷ درصد در خانواده سنتی به ۶۴/۳ درصد در خانواده مشارکتی افزایش می‌یابد. تحلیل‌های آماری در گروه مرفه نوظهور، نشان می‌دهد که هم خانواده سنتی و هم خانواده مشارکتی با الگوی فعالیت‌های فراغتی غیر فعال/ فعال رابطه معنادار دارند و در خانواده مشارکتی میزان فعالیت‌های فراغتی فعال زنان افزایش چشم‌گیری را نشان می‌دهد. حال آن که در این نوع خانواده، فعالیت‌های غیر فعال مردان افزایش می‌یابد.

از انواع دیگر فعالیت‌های فراغتی، تقسیم بندی آنها به فردی و گروهی است. جدول شماره ۵، نحوه انجام فعالیت‌های فراغتی را به صورت فردی و گروهی نشان می‌دهد.

جدول ۵: رابطه دامنه فعالیت‌های فراغتی با الگوی خانواده

سطح معناداری	دامنه فعالیت‌های فراغتی						الگوی خانواده	گروه‌ها
	گروهی (با همکاران)	سطح معناداری	گروهی (با دوستان)	سطح معناداری	گروهی (با خانواده و خویشان)	فردی		
۰/۱۵	۱۰۰/۰	۰/۰۱	۵۸/۲	۰/۵۱	۵۹/۰	۶۹/۲	زنی	سنتی
	۶۲/۶		۶۸/۹		۵۴/۸	۵۷/۹		
۰/۳۲	۰	۰/۶۷	۴۱/۷	۰/۴۷	۴۱/۰	۳۰/۸	زنی	مشارکتی
	۳۶/۴		۳۱/۱		۴۵/۲	۴۲/۱		
۰/۰۳	۱۰۰/۰	۰/۱۸۰	۷۱/۴	۰/۳۳	۷۳/۰	۵۰/۰	زنی	سنتی
	۶۶/۷		۵۳/۳		۳۸/۶	۵۸/۸		
۰/۱۰	۰	۰/۰۴	۲۸/۶	۰/۰۴	۲۷/۰	۵۰/۰	زنی	مشارکتی
	۳۳/۳		۴۶/۷		۶۱/۴	۴۱/۲		

در گروه مرفه غیرنوظهور، فعالیت‌های فراغتی فردی در خانواده سنتی، هم در زنان و هم در مردان، بیشتر از فعالیت‌های فراغتی با خانواده و خویشان است در حالی که فعالیت‌های فراغتی با خانواده و خویشان در خانواده مشارکتی در همین گروه، هم در زنان و هم در مردان بیشتر است. فعالیت‌های فراغتی فردی زنان با تغییر الگوی خانواده از سنتی به مشارکتی به شدت کاهش می‌یابد و در مقابل، فعالیت‌های فراغتی با خانواده و خویشان مردان با تغییر الگوی خانواده از سنتی به مشارکتی کاهش می‌یابد. در تحلیل آماری این گروه، رابطه معناداری بین خانواده سنتی و مشارکتی - جنس و الگوی فعالیت‌های فراغتی فردی - با خانواده و خویشان وجود ندارد.

در گروه مرفه نوظهور، فعالیت‌های فراغتی فردی زنان در خانواده سنتی و در خانواده مشارکتی برابر است حال آنکه، فعالیت فراغتی فردی مردان در خانواده سنتی خیلی بیشتر از خانواده مشارکتی است (۵۸/۸ درصد در خانواده‌های سنتی نسبت به ۴۱/۲ درصد در خانواده‌های مشارکتی). در همین گروه، فعالیت‌های فراغتی با خانواده و خویشان به وسیله زنان در الگوی خانواده سنتی به مراتب بیشتر از

خانواده مشارکتی است (۷۳ درصد نسبت به ۲۷ درصد) در حالی که فعالیت‌های فراغتی با خانواده و خویشان به وسیله مردان در الگوی خانواده مشارکتی به مراتب بیشتر از خانواده سنتی است (۶۱/۴ درصد نسبت به ۲۸/۶ درصد). داده‌های جدول بیانگر آن است که در گروه مرفه نوظهور با مشارکتی شدن نحوه تقسیم وظایف خانگی در میان زن و مرد از میزان انجام فعالیت‌های فراغتی با خانواده و خویشان به وسیله زن به شدت کاسته می‌شود و این فرصت برای او فراهم می‌شود که زمان آزاد خود را به فعالیت‌های فراغتی فردی خودش اختصاص دهد، برعکس، در خانواده سنتی، که ۷۳ درصد زنان، فعالیت‌های فراغتی خود را مجبور هستند که فعالیت‌های فراغتی خود را به همراه خانواده و خویشان انجام دهند. همان‌طور که، تحلیل‌های آماری نیز نشان می‌دهد در گروه مرفه نوظهور، بین خانواده مشارکتی - جنسیت و فعالیت‌های فراغتی فردی/ با خانواده و خویشان رابطه معنادار وجود دارد و با کاهش فعالیت‌های فراغتی خانوادگی - خویشاوندی زنان بر فعالیت‌های فراغتی خانوادگی - خویشاوندی مردان افزوده می‌شود.

در گروه مرفه غیرنوظهور، در خانواده سنتی اقتدارگرا، فعالیت‌های فراغتی فردی زنان بیشتر از فعالیت‌های فراغتی همراه دوستان است در حالی که در همین گروه و همین الگوی خانواده، برعکس فعالیت‌های فراغتی به همراه دوستان در مردان به مراتب بیشتر از فعالیت‌های فراغتی فردی به وسیله مردان است. همان‌طور که تحلیل آماری نیز بیانگر روابط معنادار بین خانواده سنتی اقتدارگرا، جنس و فعالیت‌های فراغتی است در گروه مرفه غیرنوظهور، در خانواده مشارکتی، با افزایش فعالیت‌های فراغتی به همراه دوستان توسط زنان، شاهد کاهش فعالیت‌های فراغتی مردان به همراه دوستان هستیم، اما این تفاوت‌ها بیانگر روابط معنادار بین خانواده مشارکتی، جنس و فعالیت‌های فراغتی فردی/ با دوستان نیست.

در گروه مرفه نوظهور، در خانواده سنتی اقتدارگرا، فعالیت‌های فراغتی فردی زنان، به مراتب کمتر از فعالیت‌های فراغتی به همراه دوستان است. و فعالیت‌های فراغتی فردی مردان، اندکی بیشتر از فعالیت‌های فراغتی گروهی به همراه دوستان است. نتایج حاصل از آزمون معنادار در ارتباط با روابط بین خانواده سنتی، جنس و الگوی فعالیت فراغتی از حیث فردی/ با دوستان نشان می‌دهد که هیچ‌گونه رابطه‌ای بین این دو متغیر در میان زنان و مردان وجود ندارد. در حالی که، آزمون معناداری درباره روابط بین خانواده مشارکتی، جنس و الگوی فعالیت فراغتی از حیث فردی/ با

دوستان، نشان می‌دهد که بین این دو متغیر در میان دو جنس رابطه وجود دارد. نتایج حاصل از آزمون معناداری در رابطه بین دو متغیر الگوی خانواده و نحوه انجام فعالیت‌های فراغتی از حیث فردی/گروهی (با همکاران) نشان می‌دهد که:

۱) در گروه مرفه غیرنوظهور، الف: بین خانواده سنتی و نحوه انجام فعالیت‌های فراغتی: فردی/گروهی (با همکاران) در میان زنان و مردان رابطه معناداری وجود ندارد و نحوه انجام فعالیت‌های فراغتی در میان دو جنس یکسان است. ب: بین خانواده مشارکتی و نحوه انجام فعالیت‌های فراغتی: فردی/گروهی (با همکاران) در میان زنان و مردان رابطه معنادار وجود ندارد و نحوه انجام فعالیت‌های فراغتی در میان دو جنس در الگوی خانواده مشارکتی نیز همانند است.

۲) در گروه مرفه نوظهور، الف: بین خانواده سنتی و نحوه انجام فعالیت‌های فراغتی: فردی/گروهی (با همکاران) زنان و مردان رابطه معنادار وجود دارد. بدین معنی که نحوه انجام فعالیت‌های فراغتی در میان دو جنس متفاوت است و فعالیت‌های فراغتی گروهی زنان در الگوی خانواده سنتی بیشتر از مردان است. پ: بین خانواده مشارکتی و نحوه انجام فعالیت‌های فراغتی: فردی/گروهی (با همکاران) زنان و مردان رابطه معنادار وجود ندارد. بدین معنی که نحوه انجام فعالیت‌های فراغتی در میان دو جنس همانند است. جدول شماره ۶، نتایج حاصل از آزمون روابط بین الگوی خانواده (سنتی اقتدارگرا - مشارکتی) بر حسب تقسیم جنسی وظایف خانگی و الگوی فراغت جنسیتی را در گروه‌های مرفه غیرنوظهور و نوظهور نشان می‌دهد.

جدول ۶: رابطه سبک فراغتی با الگوی خانواده

سطح معناداری	عرصه فعالیت‌های فراغتی			الگوی خانواده		گروه‌ها
	سبک فراغتی مدرن	سبک فراغتی بینابین	سبک فراغتی سنتی			
۰/۳۷	۱۶/۳	۱۱/۶	۷۲/۱	زن	سنتی	مرفه غیر نوظهور
	۲۸/۶	۱۳/۰	۵۸/۴	مرد		
۰/۸۲	۲۰/۰	۱۰/۰	۷۰/۰	زن	مشارکتی	
	۲۱/۴	۷/۱	۷۱/۴	مرد		
۰/۸۱	۲۸/۶	۶/۱	۶۵/۳	زن	سنتی	مرفه نوظهور
	۳۹/۱	۱۵/۲	۴۵/۷	مرد		
۰/۰۳	۱۱/۱	۲/۷	۸۵/۲	زن	مشارکتی	
	۲۹/۲	۱۴/۶	۵۶/۳	مرد		

در گروه مرفه غیرنوظهور :

الف: بین خانواده سنتی و سبک زندگی فراغتی دو جنس رابطه معنادار وجود ندارد. زیرا حدود سه چهارم زنان (۷۲/۱٪) دارای سبک فراغتی سنتی هستند و بیش از نیمی از مردان (۵۸/۴٪) نیز دارای سبک فراغتی سنتی هستند.

ب: بین خانواده مشارکتی و سبک زندگی فراغتی دو جنس رابطه معنادار وجود ندارد. زیرا، ۷۰/۰ درصد زنان و ۷۱/۴ درصد مردان دارای سبک فراغتی سنتی هستند.

در گروه مرفه نوظهور :

الف: بین خانواده سنتی و سبک زندگی فراغتی دو جنس رابطه معنادار وجود ندارد. زیرا ۶۵/۳ درصد زنان و ۴۵/۷ درصد مردان دارای سبک فراغتی سنتی هستند.

ب: بین خانواده مشارکتی و سبک زندگی فراغتی دو جنس رابطه معنادار وجود دارد. بدین معنی که با تغییر الگوی خانواده از سنتی اقتدارگرا به مشارکتی، سبک فراغتی دو جنس از یکدیگر تفاوت می یابد و به ویژه در میان مردان گرایش به سمت سبک فراغتی مدرن بیشتر می شود.

جدول ۷: نتایج حاصل از آزمون رابطه بین ویژگی های فردی - جمعیتی، پایگاه اقتصادی -

اجتماعی و سبک فراغتی

گروهها	متغیرها	آزمون	مقدار آزمون	شدت پیوند	جهت پیوند	مطابقتی	
مرفه غیرنوظهور	سن	کنال-تو-سی	-۰/۷۸	ضعیف	منفی	۰/۰۵	
	بد خانواده	کنال-تو-سی	-۰/۸۱	خیلی ضعیف	منفی	۰/۲۳	
	وضعیت ناهل	کرلرزوی	۰/۲۳	ضعیف	ننراد	۰/۰۱	
	وضع فلیت	زن	کرلرزوی	۰/۲۳	ضعیف	ننراد	۰/۷۸
		مرد	کرلرزوی	۰/۸۲	خیلی ضعیف	ننراد	۰/۴۷
	پایندی دینی	کنال-تو-سی	۱/۲۰	ضعیف	مثبت	۰/۰۵	
پایگاه اقتصادی اجتماعی	کنال-تو-سی	۰/۲۳	ضعیف	مثبت	۰/۰۵		
مرفه نوظهور	سن	کنال-تو-سی	-۰/۸۴	خیلی ضعیف	منفی	۰/۰۱	
	بد خانواده	کنال-تو-سی	-۰/۲۲	ضعیف	منفی	۰/۰۱	
	وضعیت ناهل	کرلرزوی	۰/۲۰	متوسط	ننراد	۰/۰۱	
	وضع فلیت	زن	کرلرزوی	۰/۲۸	متوسط	ننراد	۰/۰۵
		مرد	کرلرزوی	۰/۰۴	خیلی ضعیف	ننراد	۰/۸۸
	پایندی دینی	کنال-تو-سی	۰/۴۰	متوسط	مثبت	۰/۰۱	
	پایگاه اقتصادی اجتماعی	کنال-تو-سی	۰/۱۳	خیلی ضعیف	مثبت	۰/۳۶	

بر اساس داده های جدول شماره ۷ رابطه میان متغیرهای مستقل با سبک های فراغتی به شرح زیر می باشد :

الف) گروه های مرفه غیرنوظهور

- رابطه بین سن و سبک فراغتی معنادار می باشد، به طوری که مسن ترها بیشتر به فعالیت های سنتی و جوانترها به فعالیت های مدرن فراغتی می پردازند.

- بین بعد خانواده و سبک فراغتی رابطه ای وجود ندارد، خانواده های با ابعاد مختلف به فعالیت های فراغتی مشابهی می پردازند.

- بین وضعیت تاهل و سبک فراغتی رابطه وجود دارد، به طوری که افراد متأهل به فعالیت های مدرن و افراد مجرد به فعالیت های سنتی فراغتی می پردازند.

- بین وضع فعالیت و سبک فراغتی اعم از زن و مرد رابطه ای وجود ندارد، و افراد با وضعیت های مختلف شغلی، سبک فراغت یکسانی دارند.

- رابطه بین پایبندی دینی و سبک فراغتی معنادار می باشد، به طوری که خانواده های با میزان بالای پایبندی دینی دارای سبک فراغتی مدرن و خانواده های با میزان پایین پایبندی دینی دارای سبک فراغتی سنتی می باشند.

ب) گروه های مرفه نوظهور

- بین سن و سبک فراغتی رابطه وجود دارد، به طوری که مسن ترها به فعالیت های سنتی و جوانترها به فعالیت های مدرن فراغتی می پردازند.

- بین بعد خانواده و سبک فراغتی رابطه وجود دارد، به طوری که خانواده های با ابعاد بیشتر به فعالیت های سنتی و خانواده های با ابعاد کمتر به فعالیت ها مدرن فراغتی می پردازند.

- بین وضعیت تاهل و سبک فراغتی رابطه وجود دارد، به طوری که افراد متأهل به فعالیت های مدرن و افراد مجرد به فعالیت های سنتی فراغتی می پردازند.

- بین وضع فعالیت و سبک فراغتی زنان رابطه وجود دارد، به طوری که زنان متخصص به فعالیت های مدرن و زنان غیر متخصص به فعالیت های سنتی فراغتی می پردازند. اما این رابطه در مورد مردان وجود ندارد.

- بین پای بندی دینی و سبک فراغتی رابطه وجود دارد، به طوری که خانواده هایی که از میزان بیشتری از پای بندی دینی برخوردارند، در مقایسه با خانواده های با میزان پایین پای بندی دینی، بیشتر به فعالیت های فراغتی مدرن می پردازند تا سنتی.

نتیجه گیری

حاصل جمع‌بندی تحقیق حاضر عبارت است از:

۱- در کل، فعالیت‌های فراغتی مردان به مراتب بیش از زنان است، پس امکان هویت‌یابی از طریق کنترل فعالیت‌های فراغتی - که دارای ماهیت انتخابی (آزادی و توانایی در انتخاب) و با میل و رغبت است - در میان مردان بیشتر است.

۲- خانه محور بودن فعالیت‌های فراغتی زنان به‌ویژه در گروه مرفه نوظهور، تعادل میان سهم جهان طبیعی (فیزیکی) و جهان اجتماعی (ذهنی) را - که زنان در آن رفت و آمد دارند - به شدت به هم می‌زند. به‌گونه‌ای که آنها به دلیل رفت و آمد خیلی کم در جهان اجتماعی، نه تنها از مواهب و تجارب جهان اجتماعی محروم خواهند شد بلکه، توانایی حضور و ایفای نقش فعال در جهان اجتماعی را نیز به دست نخواهند آورد و مجموع این محدودیت‌ها، موجب ضعف بنیادی در امکان شکل‌گیری هویت اجتماعی زنان می‌شود.

۳- با تغییر الگوی خانواده از سنتی اقتدارگرا به مشارکتی، به‌ویژه در گروه مرفه نوظهور، الگوی فعالیت‌های فراغتی زنان از حیث عرصه فعالیت از خانه محور به بیرون محور تغییر می‌یابد. در نتیجه از میزان فعالیت‌های فراغتی تجزیه شده، پراکنده و بدون تداوم کاسته شده و فعالیت‌های فراغتی هدف‌دار و مداوم بیشتر می‌شود. بنابراین، امکان تحقق هدف‌های فراغتی انسانی از طریق فعالیت‌های فراغتی بیرون از خانه به مراتب بیشتر از فعالیت‌های فراغتی خانه محور است.

۴- با تغییر الگوی خانواده از سنتی اقتدارگرا به مشارکتی، در هر دو گروه مرفه غیر نوظهور و به‌ویژه نوظهور، فعالیت‌های فراغتی فعال زنان، افزایش می‌یابد و برعکس، فعالیت فراغتی فعال مردان، کاهش می‌یابد. با افزایش تعداد زنان شاغل در الگوی خانواده مشارکتی به‌ویژه در گروه مرفه نوظهور، قدرت کنترل فعالیت‌های فراغتی زنان به وسیله خودشان افزایش می‌یابد. ارتقای قدرت کنترل به دلیل افزایش قدرت مالی، افزایش زمان آزاد، افزایش آگاهی درباره کارکردهای فراغت و ضرورت داشتن فراغت، میسر می‌شود.

۵- در گروه مرفه نوظهور، وجود رابطه معنادار بین خانواده مشارکتی و نحوه انجام فعالیت فراغتی از حیث عرصه فعالیت (خانه محور / بیرون محور)، از حیث مشارکت در انجام فعالیت فراغتی (غیر فعال / فعال)، از حیث کمی (فردی / گروهی)، و

از حیث الگوی فراغتی (سنتی/ نیمه مدرن/ مدرن)، به دست آمده است که با مشارکتی شدن انجام وظایف خانگی، الگوی فعالیت‌های فراغتی نیز مدرن می‌شود و نیز با تخصصی‌تر شدن فعالیت‌های شغلی زنان، در گروه مرفه نوظهور، الگوی فعالیت‌های فراغتی آنان نیز مدرن تر می‌شود، اما در گروه مرفه غیر نوظهور، وجود رابطه معنادار بین پایگاه اقتصادی - اجتماعی و الگوی فراغتی (سنتی/ نیمه مدرن/ مدرن)، نشان می‌دهد که طبقات بالا، دارای فعالیت‌های فراغتی مدرن و طبقات پایین دارای فعالیت‌های فراغتی سنتی هستند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

فارسی

- ابوت، پاملا و کلر والاس. (۱۳۷۶)، *درآمدی بر جامعه‌شناسی نگرش‌های فمینیستی*، ترجمهٔ مریم خراسانی و حمید احمدی، تهران: دنیای مادر.
- اعزازی، شهلا. (۱۳۸۲)، *جامعه‌شناسی خانواده: با تأکید بر نقش، ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر*. تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
- بابائی، محبوبه. (۱۳۸۰)، *بختی در جامعه‌شناسی فراغت؛ نقش الگوهای گذران فراغت در مشارکت اجتماعی*. درس سمینار جامعه‌شناسی در ایران، دورهٔ دکتری.
- بابائی، محبوبه. (۱۳۸۴)، *بررسی پایگاه اقتصادی - اجتماعی و سبک زندگی: اقصا* مرفه نوظهور و غیر نوظهور در تهران. پایان‌نامهٔ دکتری، رشته جامعه‌شناسی، واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی.
- بابائی، محبوبه. (۱۳۸۵)، *پایگاه اقتصادی - اجتماعی و تقسیم جنسی وظایف خانگی در تهران*. فصلنامهٔ جامعه و پژوهش، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شرق، سال اول، شماره ۱، پائیز ۱۳۸۵.
- پاکاک، رابرت. (۱۳۸۱) *مصرف، ترجمهٔ خسرو صبری*. تهران: شیرازه.
- پاک نهاد جبروتی، مریم. (۱۳۸۱)، *نابرابری جنسیتی در ایران؛ فرادستی و فرودستی در زبان*. تهران: گام نو.
- دورینگ، سایمن. (۱۳۷۸)، *مطالعات فرهنگی، ترجمهٔ حمیرا مشیرزاده*. تهران: مؤسسه فرهنگی آینده پویان.
- دومازدیه، ژوفر. (بی تا)، *زمان فراغت از دیدگاه تاریخی و جامعه‌شناسان*، ترجمهٔ م. آدینه، مجلهٔ فرهنگ و زندگی، شماره ۱۲.
- دومازدیه، ژوفر. (بی تا)، *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی فراغت*، ترجمه و تلخیص: علی اسدی، مجلهٔ فرهنگ و زندگی، شماره ۱۲.
- ساروخانی، باقر. (۱۳۷۴)، *دایره‌المعارف علوم اجتماعی*. تهران: انتشارات.
- گرت، استفانی. (۱۳۸۰)، *جامعه‌شناسی جنسیت/ترجمهٔ کتابیون بقایی*. تهران: نشر دیگر.

انگلیسی

- Burgess, G. Robert. (1986) **Key Variables in Social Investigation**. By Routledge & Kegan paul, London.
- Wynne, Derek. (1998) **Leisure, Lifestyle and The New Middle class**. By Routledge, London.
- Storey, John & Graeme Turner. (1999) **Cultural Consumption and Everyday Life**, by Arnold, London.